

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۱ بهمن ۱۴۰۱

مصادف با: ۹ رجب ۱۴۴۴

جلسه: ۲۶

موضوع کلی: سوره بقره

موضوع جزئی: آیه ۴۹- توضیح اجمالی آیه- ارتباط آیه با آیات قبل و بعد-

مفردات آیه: ۱. «وان»- ۲. «نجیناکم»- ۳. «آل»

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین

آیه ۴۹:

«وَإِذْ نَجَّيْنَاكَ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكَ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَ كُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَ كُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ».

طبق معمول توضیح اجمالی کلی از این آیه ارائه می‌دهیم و سپس به ارتباط این آیه با آیات قبل و بعد اشاره می‌کنیم، آنگاه مفردات این آیه چنانچه نیازمند توضیح باشد را بیان خواهیم کرد و بعد از آن به سراغ تفسیر بخش‌های مختلف آیه خواهیم رفت.

توضیح اجمالی آیه

می‌فرماید: و زمانی را به یاد آورید که خداوند تبارک و تعالی شما را از آل فرعون رهایی بخشید؛ آنها که شما را به شدیدترین وجه عذاب می‌دادند، فرزندان پسر شما را به قتل می‌رساندند، زنان شما را در شرایطی قرار می‌دادند که به انواع گرفتاری‌ها مبتلا شوند، یعنی در حقیقت آنها را به استرقاق و بندگی وا می‌داشتند؛ فرزندان پسر شما را می‌کشتند و زنانتان را زنده نگه می‌داشتند، در حالی که این زنده نگه داشتن مساوی با بندگی و استرقاق و ذلت بود؛ و در همه اینها امتحان و ابتلائی از ناحیه پروردگار بزرگ و عظیم شماست.

در این آیه در حقیقت اشاره می‌کند به برخی از نعمت‌های خداوند تبارک و تعالی نسبت به بنی اسرائیل و گرفتاری‌هایی که آنها در آن زمان داشتند و اینکه خداوند تبارک و تعالی آنها را از این مشکلات رهایی بخشید و آزاد کرد. در حقیقت به یهودیان دوران نزول قرآن می‌فرماید نیاکان و اجداد شما این چنین مشمول نعمت‌های خداوند بودند، خداوند آنها را نجات داد در حالی که شما قدردان این نعمت‌ها نیستید.

ارتباط آیه با آیات قبل و بعد

ارتباط این آیه با آیات قبل و بعد بدین نحو است که در آیات قبل سخن از این بود: «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ»؛ اشاره اجمالی به نعمت‌هایی که خداوند تبارک و تعالی به بنی اسرائیل عطا کرده بود. اینجا شروع می‌کند به ذکر تفصیلی آن نعمت‌ها؛ «و اذ» در حقیقت عطف به «و اذکروا» است؛ یعنی «و اذکروا» از نجات شما، اول اجمالاً می‌گوید به یاد بیاورید نعمت‌هایی که خداوند تبارک و تعالی به شما عطا کرد؛ اکنون سخن از تفصیل آن نعمت‌هاست، که همان نعمت آزادی و رهایی از آل فرعون است. پس ارتباط این آیه با آیه قبل در حقیقت بیان

تفصیلی همان نعمتی است که به صورت اجمالی در آیه قبل به آن اشاره شده بود.

آن وقت از آیه ۴۹ به بعد، چندین مورد از موارد این نعمت‌ها را به تفصیل بیان می‌کند. مهم‌ترین آن، نجات آل فرعون است و بعد به مظالم آل فرعون اشاره می‌کند که معلوم شود رهایی از آل فرعون چه نعمت بزرگی بوده است؛ وقتی آل فرعون این امور را مرتکب می‌شدند و این کارها را انجام می‌دادند، آنگاه بعد از ذکر کارهای زشت و ناپسند آنها، معلوم می‌شود که «نجیناکم» چقدر مهم و با ارزش بوده است. آن وقت آیات بعد از این هم ذکر برخی دیگر از همین نعمت‌هاست به صورت تفصیلی.

مفردات آیه

۱. «و اذ»

آیه ۴۹ با این کلمه آغاز می‌شود: «و اذ» این عطف بر مفعول «اذکروا» است که در آیه ۴۷ آمد است. «اذکروا نِعْمَتِي الَّتِي اُنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ» در آیه ۴۸ هم به مناسبت فرمود «وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا»؛ اینجا کَانَ معنای آیه این است: و اذکروا اذ نجیناکم. لذا چون عطف بر مفعول اذکروا است، در موضع نصب قرار دارد.

۲. «نجیناکم»

«نجیناکم» البته دو نحو دیگر هم قرائت شده است، و إذا انجیناکم در بعضی قرائت‌ها آمده، و اذ نجیتکم، اما قرائت مشهور «و اذ نجیناکم» است. فرق نمی‌کند چه انجیناکم و چه نجیناکم، ریشه انجیایم، انجاء و تنجیه یا نجو و نجات به معنای تخلیص و رهایی است. و اینکه در اینجا به این معناست؛ اما ریشه لغوی آن به معنای مکان بلندی است که از سایر اجزاء زمین جدا می‌شود. مکان العالی، چرا؟ چون کسی که روی مکان عالی و بلند می‌رود، رهایی پیدا می‌کند؛ اصلاً معنای نجو این است. چون کسی که روی مکان بلند می‌رود، کَانَ رهایی پیدا می‌کند. اگر کسی از خطر و مشکل و مصیبتی نجات پیدا کند، می‌گویند ناجی است.

البته بین انجاء و تنجیه بعضاً فرق گذاشته‌اند؛ می‌گویند انجاء برای دفع خطر است اما تنجیه برای رفع خطر، به ملاحظه همان فرقی که بین دفع و رفع است. مرحوم طبرسی در مجمع البیان می‌فرماید: انجاء برای خلاصی از خطر قبل از وقوع در مهلکه است و تنجیه برای بعد از آن؛ به همین دلیل اینجا «نجیناکم» به کار برده است؛ چون در حقیقت آنچه اینجا واقع شده، تنجیه بوده، یعنی دفع خطر بعد از وقوع. آل فرعون این کارها را می‌کردند که خداوند بنی اسرائیل را از دست آنها نجات داد و خلاص کرد، پیشگیری نبوده، بلکه رفع بوده است. این البته بدین معنا نیست که انجاء در مورد آنها صورت نگرفته باشد؛ بنی اسرائیل به هر دو نحو مشمول لطف و عنایت الهی قرار گرفته‌اند، هم قبل از وقوع در برخی هلاکات از آنها دفع خطر شده و هم بعد از وقوع در خطرات خداوند آنها را نجات داده است. برای هر دو مورد هم در قرآن و هم در گزارشات تاریخی نمونه‌هایی می‌توانیم ذکر کنیم.

۳. «آل»

مفسرین بحث مبسوطی در مورد «آل» مطرح کرده‌اند، از جمله فخر رازی و برخی دیگر، که آل در اینجا به چه معناست؟ بنابراین نظر اکثر مفسران «آل» اصلش اهل است که «هـ» برخلاف قیاس تبدیل به «أ» شده و مصغر آن هم می‌شود اهل. اهل به معنای خویشاوندان است؛ حالا خویشاوندان سببی یا نسبی و مطلق قرابت. برخی می‌گویند: فرق آل با اهل در این است که اهل یعنی آنهایی که خویشاوند هستند و قرابت دارند؛ اعم از این که تبعیت و پیروی داشته باشند یا نداشته باشند؛ هر کسی که از نزدیکان شخص شمرده شود، به او اهل می‌گویند. این قابل تقسیم به عاقل و جاهل و پیرو و غیر پیرو نمی‌شود. اما آل اخص از اهل است از سه جهت: ۱. اینکه تبعیت باید وجود داشته باشد؛ اگر تابع نباشد به او آل اطلاق نمی‌شود. ۲. شأن و منزلت داشته باشد. ۳. از عقلاً باشد. این مطلبی است که در تفسیر روح المعانی ذکر شده است؛^۱ آلوسی هم می‌گوید: آل و اهل فرقیان این است، اهل اعم است از آل از سه جهت، هم از حیث قرابت در حالی که در آل مسأله قرابت و خویشاوندی ملاک نیست، هم از حیث تبعیت، در اهل تابعیت ملاک نیست ولی در آل پیروی مورد نظر است؛ سوم مسأله شأن و منزلت است.

نظر برخی از مفسران اهل سنت در مورد «آل»

برخی از مفسران متعصب اهل سنت به کلمه آل که رسیده‌اند، می‌خواهند آن را به گونه‌ای معنا کنند، که بتوانند دامنه‌اش را توسعه بدهند. او ادعا کرده آل رسول‌الله کسانی هستند که پیرو آن حضرت باشند و دارای منزلت باشند ولو قرابت نسبی با او نداشته باشند. آن وقت از اینجا گریز می‌زند به اینکه رافضه و شیعیان معتقدند آل رسول‌الله تنها فاطمه و حسن و حسین هستند. بعد به دو آیه از آیات قرآن اشاره می‌کند که در آنها آل به همین معنایی که ما گفتیم به کار می‌رود؛ یکی آیه «وَأَعْرَفْنَا آلَ فِرْعَوْنَ»^۲، و دیگری «أَدْخَلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ»^۳؛ می‌گوید در این دو آیه آل به معنای پیرو و تابع است. شاهد آن هم این است که فرعون هیچ فامیلی نداشته است. چون فرعون نه پسر، نه دختر، نه برادر، هیچ فامیلی نداشته است. البته این محل اشکال است و برخی اشکال کرده‌اند که بعداً خواهیم گفت. بعد به موارد دیگری در قرآن استناد کرده که مسلماً اگر کسی موحد نباشد، هیچ سنخیتی با پیامبر ندارد و نمی‌شود به او آل محمد گفت، هر چند نسبت خویشاوندی با پیامبر داشته باشد. لذا می‌گوید ابوجهل و ابولهب آل پیامبر محسوب نمی‌شوند. این مطلبی است که قرطبی بیان کرده است.^۴

حال باید دید آنطور که آلوسی و قرطبی گفته‌اند آل اعم از صاحبان قرابت و خویشاوندی است یا نه؟ این را باید بررسی کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»

^۱ روح المعانی، ج ۱، ص ۴۰۱.

^۲ سوره بقره، آیه ۵۰.

^۳ سوره غافر، آیه ۴۶.

^۴ الجامع الاحکام القرآن، ج ۱، ص ۳۵۹.